

دارالاسرار

دومین تفسیر بی نقطه

محمدعلی رضایی کرمانی

آن گونه که از کتابشناسی ها و تراجم و معاجم و فهرست ها برمی آید، در بین هزاران مجموعه از تفاسیر قرآن، از آغاز تا اکنون، دو تفسیر کامل از قرآن به چشم می خورد که دارای ویژگی متمایز از دیگر تفاسیر است، از این رو افزون بر نام اختصاصی هر یک، به تفسیر بی نقطه شهرت یافته اند.

نخستین تفسیر کامل بی نقطه از قرآن، تفسیر «سواطع الالهام» است.^۱ این تفسیر نوشته دانشمند شیعی، ابوالفیض فیضی هندی (م ۱۰۴۰ق) است که تفسیری مزجی و کامل از قرآن، بدون کاربرد واژه های نقطه دار است، یعنی در سرتاسر تفسیر، واژه هایی که دارای حروف، ب، ت، ث، ج، خ، و... هستند به کار نبرده است. برای نمونه از واژه های زیر برای تفسیر آیات، فراوان به کار برده است:

اسدالله الکرآر = حضرت علی «ع»

موردها ام الرحم = محل نزول سوره، مکه است.

موردها مصر رسول الله صلعم = محل نزول سوره، مدینه است.

استدلاله الكوراء

أدلاء سواطع = بينات

أعراس = نساء

الكلام الأسد = الحق

أسلموا = آمنوا

العماس = الحرب

اهل الطرس = اهل الكتاب، و...

از این تفسیر دست نوشته های فراوانی در کتابخانه های مشهور ایران موجود است؛ و همچنین نخستین چاپ سنگی از تفسیر در هند، نزدیک یک قرن پیش، انجام پذیرفته که در بیشتر کتابخانه های معتبر، این چاپ از تفسیر در دسترس است، به تازگی نیز چاپ مصحح و دقیقی از این تفسیر در شش مجلد انتشار یافته است.^۲

اینک برای آشنایی با سبک و شیوه تفسیری «سواطع الالهام»، تفسیر سوره توحید را یادآور می شویم.

«بسم الله الرحمن الرحيم» لما سأل الحمس* رسول الله صلعم وأرادوا إعلام محامد الله، أرسل الله «قل» محمد (ص) «هو الله احد» واحد لا مُساهم له ولا إله سواه اصله وحد، ورووا هو الله الواحد ورووا أحد. «الله» موصولاً «الصمد» المصمود المعمود آمالاً وأعمالاً لكل ما عداه وهو المالك الحاكم لما أراد لامرد لحكمه ولا راد لأمره.

«لم يلد» أحداً هو رد للهود «ولم يولد» ما هو ولد مولوداً لأحد، و معلوم كل أحد لكل مولود أوّل ولا أوّل له، وهو رد لرهط روح الله.

«ولم يكن له» لله «كفو» مساهماً معادلاً وهو حال أو محمول «أحد» حالاً ومالاً، وهو رد لأهل عدول وهموا إلهاً مساهماً له عملاً وأمرأ. علاه اسمه. ومسمّاه عمّا هو مدرک الأوهام، وورد هو عدل لكلام الله كله ومدلوله ملاك

موزنها امر الرحمة

کلّ موحد.

از این رو می توان گفت که روش تفسیری «سواطع الالهام»، ادبی- هنری، با گرایش خاص هنری (کاربرد واژه های بی نقطه) است. و تفسیری مزجی و حجم آن برابر با تفاسیر وسیط قرآن است، هر چند مفسر به جز این تفسیر، نگاشته ای دیگر در تفسیر قرآن ندارد.^۳

«در الاسرار» تفسیری دیگر از قرآن (بی نقطه)

دومین تفسیر کامل و بی نقطه از قرآن، «در الاسرار» سید محمود افندی (حمزروی)، (م ۱۳۰۵ ق) است. در زیستنامه ها آمده است که محمود بن محمد نسیب بن حسین بن یحیی حسینی حمزروی به سال ۱۲۳۶ قمری در دمشق زاده شد و در فقه و ادب و شعر پر آوازه گردید و یکی از دانشمندان حنفی پر تألیف شد. گویند در صنعت و تیراندازی و نیز هنر خط شهرت فراوان یافت، به گونه ای که سوره «حمد» را بر روی دو سوم یک دانه برنج نوشت. در آثار به جای مانده از او بیش از بیست رساله و کتاب به چشم می خورد که بیشتر آنها درباره فقه حنفی است.^۴

گویا از تفسیر «در الاسرار»، یک چاپ بیشتر در دسترس نیست، این چاپ با تصحیح ابراهیم بن علی طرابلسی، به سال ۱۳۰۶ ق / ۱۸۹۱ م، انجام پذیرفته است.^۵ در آغاز مفسر، با یک صفحه مقدمه به دریای بیکران قرآن راه یافته است و سپس از سوره حمد تا پایان قرآن- به گونه مزجی- همه آیات قرآن را با واژه های بی نقطه تفسیر کرده است. حجم این تفسیر به تفاسیر و جیز قرآن- همچون: جلالین و شبر- شباهت دارد، هر چند حمزروی به جز این، تفسیری دیگر نگاشته است.

اینک برای آشنایی با روش و سبک تفسیری وی، سوره توحید را همان گونه، یادآور می شویم.

«بسم الله الرحمن الرحيم قل» الامر للرسول محمد صلى الله عليه وآله

مورثها مصدر ونبول الله صلعم

وسلم لما سألوه ما الله أوحى له الحكم المسطور «هو الله أحد» محمول هو «الله الصمد» أول كلام و محموله والصمد هو الموثل** لكل وطر على الدوام «لم يلد» رد على كل مدح الولد له «ولم يولد» لا والد له ولا أم ولا له مصدر و هو أسر المصادر والأصول كلها «ولم يكن له كفواً» معادلاً محمول أمام الاسم وهو «أحد» لا إله إلا هو وحده .

از این رو سبک و روش تفسیری-همچون «سواطع الالهام»- ادبی- هنری، با گرایش کاربرد واژه های بی نقطه است و روشن است که واژه های نامأنوس و غریب فراوان دارد و از فهم قرآن که نخستین هدف تفسیر است، کاسته است .

بیتها

در پایان تفسیر، تاریخ انجام، سال ۱۲۷۴ق یاد شده است که گویا حمزای آن را در ۳۸ سالگی به سامان رسانده است .

همچنین در صفحات پایانی (صص ۵۱۵-۵۱۷) مصحح از چگونگی تصحیح تفسیر، استنساخ از روی نسخه مؤلف، مدح مؤلف و نیز در پایان قصیده ای در ۲۶ بیت در ثنای نویسنده و تفسیر وی آورده است .

مقایسه دو تفسیر بی نقطه «سواطع الالهام» و «در الاسرار» در یک نگاه

۱. «سواطع الالهام» به سال ۱۰۰۲ق سامان یافته است و «در الاسرار» به سال ۱۲۷۴ق، یعنی بیش از دو و نیم قرن پس از آن .

۲. «سواطع الالهام» بیشتر با دیدگاه امامیه سازگار است و نویسنده از دانشمندان شیعی است و «در الاسرار» با دیدگاه اهل سنت و مفسر از دانشمندان حنفی است .

۳. در واژگان بی نقطه، دو تفسیر شباهت فراوانی دارند، زیرا که واژه های مستعمل بی نقطه محدود است، ولی در عبارتها و جمله های تفسیری آیات، شباهتی ندارند، گویا حمزای تفسیر فیضی را ندیده است ۶، هر چند که مصحح در یک

اطلاعات سواطع

بیت از قصیده خود، گویا اشاره به فیضی و تفسیر وی کرده است، آن جا که سروده است:

لو رأه الهندی اعرب شكراً لعلاه وجاء عبداً مطيعاً

۴. «سواطع الالهام» بیش از دو برابر حجم «در الاسرار» است، و در تقسیم بندی حجمی، اوکی تفسیری و سیط (متوسط) و دومی تفسیری و جیز (کوتاه) از قرآن است.

۵. گویا «سواطع الالهام» روان تر و رساتر از «در الاسرار» است، هر چند هر دو در اصل دشوارگویی شریک اند.^۷

۶. چاپ و تصحیح «سواطع الالهام» با معیارهای تصحیح متون سازگارتر است، ولی تصحیح «در الاسرار» مربوط به یک قرن پیش است و با قالب های کنونی تصحیح متن، سازگار نیست و گویا تصحیحی دیگر از آن انجام پذیرفته است.

۷. در بین اهل فن، تفسیر بی نقطه بدون قید- بر «سواطع الالهام» تطبیق می گردد، ولی درباره «در الاسرار» این گونه نیست، و حتی در بین خواص این تفسیر نیز شناخته شده نیست.

در پایان یادآور می شویم- همان گونه که در گذشته گفته ایم- که این دو تفسیر بی نقطه از قرآن، فقط یک هنر ادبی است و جنبه تفسیری آشکاری ندارد، و شاید از این روست که شناخته شده نبوده و چاپهای گوناگون از آن در دسترس نیست و این سخن که گفته شده به دور از باریک بینی نیست که: ما أحوج هذا التفسير الى تفسير.

۱. نوشتاری کوتاه از نگارنده، با عنوان «سواطع الالهام»، تفسیر بی نقطه، در فصلنامه بینات، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۳، انتشار یافته است.

الكلام الأست

۲. برای اطلاع بیشتر از زیستنامه وی و تفسیر «سواطع الالهام» بنگرید: سید محسن امین، اعیان الشیعه، ۳۹۹/۲-۴۰۲ (زیستنامه مفسر و برادر وی)؛ آقابزرگ تهرانی، الذریعه، ۱۲/۲۴۰؛ زرکلی، الاعلام، ۱۶۸/۵؛ ابوالفیض فیضی، سواطع الالهام (۶ج)، مقدمه مصحح، ۱/۷۸-۱۲۹؛ دکتر سید محمد باقر حجتی، فهرست موضوعی نسخه های خطی عربی کتابخانه های جمهوری اسلامی ایران، ۲/۶۲۹؛ دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۴۷/۶ (زیستنامه برادر مفسر).

۳. تصحیح «سواطع الالهام» با اشراف جناب دکتر سید مرتضی آیت الله زاده شیرازی و تنی چند از پژوهشگران (و نیز نگارنده) انجام یافته است، شناسنامه این چاپ بدین گونه است:

سواطع الالهام، ابوالفیض فیضی الناکوری، و بذیلہ تفسیر العلامة السید عبدالله شبر، تحقیق دکتر شیرازی، مقدمه دکتر سید محمد بحر العلوم، چاپ اول، ۶ج، قم، مؤسسه المنار، ۱۴۱۷ق، وزیری.

۴. برای اطلاع بیشتر از زیستنامه وی و آثار او- خصوصاً «در الاسرار»- بنگرید: زرکلی، الاعلام، ۷/۱۸۵؛ الیاس سرکیس، معجم المطبوعات، ۲/۱۷۰۶؛ اسماعیل پاشا بغدادی، هدیه العارفین، ۲/۴۲۰؛ عادل نویهض، معجم المفسرین، ۲/۶۶۵، و ...

۵. شناسنامه کتاب بدین گونه است:

در الاسرار، سید محمود افندی (حمزروی)، بی جا، بی نا، بی تا، ۵۱۷ص، وزیری. ولی در «معجم المطبوعات» الیاس سرکیس، ۲/۱۷۰۷، تاریخ چاپ، ۱۳۰۶ق/ ۱۸۹۱م آمده است که با همین چاپ سازگار است. این تفسیر در کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی، و مرکز فرهنگ و معارف قرآن/ قم موجود است. نیز هر چند این تفسیر یک مجلد است و صفحات آن به گونه ای مسلسل وجود دارد، ولی در صفحه اول آن «الجلد الاول من تفسیر الکلام المبیجل المسمی در الاسرار» و در صفحه ۲۵۸ «الجلد الثانی» به صورت درشت تایپ شده است که برخی این تفسیر را دو جلدی پنداشته اند.

۶. سوره های حمد و بخشی از بقره و چند سوره پایانی قرآن در هر دو تفسیر مقابله شد و چنین به دست آمد که حمزروی یا تفسیر فیضی را ندیده و یا در صورت نگرستن، از آن استفاده نکرده است، زیرا عبارات های تفسیری مشابه، بسیار به ندرت است.

۷. از شرح سوره توحید در دو تفسیر که در صفحات گذشته یاد شد، قضاوت درباره بند ۴ و ۵ آسان تر خواهد بود.

* اشداء . ** المأوی .